

عواید ما بودجه عادی را تکافو کند. ولی در قسمت بودجه انکشافی مانند بسیاری از کشورهای پس از جنگ تا سالیان دراز احتمالا به کمک های مالی کشورهای خارجی متکی خواهیم بود چنانکه قبلا گفتیم بسیاری از کشورهایی که مانند افغانستان حالت شکنندگی پس از جنگ را دارند، به کمک های خارجی چه به شکل کمک های بلاعوض و چه به شکل قرضه نیاز دارند. ولی درحالت فعلی مشکل اساسی ما این است که تنها ۶۵٪ بودجه عادی ما از طریق عواید ماصورت می گیرد و هنوز هم ۳۵٪ آن از محل کمک های خارجی. بودجه انکشافی ما هم که ۱۰٪ از منابع خارجی است. اما ما در تلاشیم همین ۳۵٪ بودجه عادی خود را درختم سال ۱۳۹۳ از عواید داخلی کشور تکافو کنیم.

**اغلب کارشناسان توافق نظر دارند که حمل و نقل، مالیات و گمرک از بخش هایی هستند که نقش اساسی در پیشرفت و تأمین منابع مالی داخلی دارند، وزارت مالیه در این زمینه چه اقداماتی انجام داده و اصولا با چه چالش هایی مواجه است؟**

- در سالهای قبل بیشتر عواید ما از طریق گمرک بود. اما رفته رفته با معرفی کردن سیستم های مالیاتی و با گسترش این سیستم و آشنایی مردم با آن فعلا سهم عواید گمرکی ما از ۵۰٪ هم پایین



محمد مصطفی مستور؛ معین مالی وزارت مالیه

توسعه یافتگی یا عدم توسعه بستگی مستقیم به چگونگی نظام مالی و اقتصادی کشورها و کارآمدی آن دارد. نگاه تطبیقی به نظام های مالی یکی از راه های شناخت صحیح دولت ها و کارایی اقتصادی آنهاست. فصلنامه تفتیش در این شماره با نگاهی به سیستم مالی کشور انگلستان موضوعات چالش برانگیز در اقتصاد افغانستان را نیز به بررسی گرفته است. آنچه را می خوانید مصاحبه ای است با محمد مصطفی مستور، معین مالی وزارت مالیه و فل دنکمب، کارشناس اقتصاد، و تیم لیدر پروژه (P.K.F) که از نظرتان می گذرد.



مصاحبه از: حسینی احسان

# سیستم های مالی بررسی

**جناب مستور؛ همانطور که می دانید افغانستان برای بازسازی خرابی های ناشی از جنگ به کمک های خارجی نیازمند است؛ اما این کمک ها از سوی جامعه جهانی برای زمان نامحدود نیست به نظر شما چه مقدار زمان می برد تا اقتصاد افغانستان با عواید داخلی، استقلال اقتصادی خود را به دست آورد؟**

- در قدم نخست باید بگویم مسائل اقتصاد مالی در کشورهای پس از جنگ، کشورهایی که حالت شکنندگی دارند در کوتاه مدت بسیار مشکل است به خصوص برای کشورهایی مانند افغانستان که منابع آماده برای جمع آوری عواید ندارند این مسئله شدت بیشتری دارد.

آمده، برعکس سهم مالیات ما روز به روز بیشتر شده است. مخصوصاً سهم مالیات شرکت های کلان و متوسط، ولی ما فکرمی کنیم این یگانه راه حل نیست؛ راه حل اساسی منابع دیگری است مثلاً منابع زیرزمینی و معدنی و همچنین استفاده از موقعیت جغرافیایی افغانستان من حیث شاهراه ترانزیتی چه از نگاه ترانزیت کالا یا منابع دیگر مثل گاز، برق، تیل از این کشور به کشورهای دیگر و چه از راه ترانزیت هوایی که این موضوع می تواند در آینده نزدیک عواید مارا بالا برده و مارا به طرف خود کفایی سوق دهد.

### **در این چند سال اصلاحات خوبی در نظام مالی کشور انجام شده، به نظر شما این اصلاحات چگونه بوده و شما آنرا چطور ارزیابی می کنید؟**

- من فکرمی کنم در کشوری که قبلاً تمام سیستم ها از هم پاشیده بود، یکی از نقاط اصلی که در آن ریفورم ضروری است نظام مالی است که در رأس اصلاحات قرار می گیرد، چون منابع مالی در اختیار اینهاست. لذا اصلاحات نکته ی اساسی در این زمینه هاست. وزارت مالیه از آغاز سال ۱۳۸۲ این اصلاحات را آغاز کرده است که خوشبختانه نسبت به بسیاری از وزارتخانه ها در قسمت آوردن ریفورم ها، چه از لحاظ شکلی و محتوایی و یا هم ساده سازی پروسه و پروسیجرها و چه از لحاظ ایجاد سیستم ها وزارت مالیه در این زمینه پیش گام بوده است. ما اکنون هم از لحاظ ظرفیت منابع بشری منابع خوبی را در اختیار داریم و هم از نگاه سیستم های حسابداری و مالی مدرن فعلاً سیستم اداری و معمولاتی ما در سطح منطقه یکی از سیستم های بسیار مدرن است و ضمناً ما پروسیجرها را نسبت به هر سال ساده سازی می کنیم تا از یک طرف سیستم بودجه سازی و مصرف آسانتر شود و ادارات بتوانند که مصارف خود را درست تر انجام دهند و از طرف دیگر سیستم جمع آوری عواید ما چه از

نگاه مسایل مالیاتی و چه از لحاظ وسایل گمرکی ساده شوند تا مردم بتوانند به آسانی مالیات محصولات را بپردازند. بنیاد قسمی که پیش تر گفتم از نگاه مسائل ساختاری هم وزارت مالیه اولین وزارتی بود که شامل سیستم اصلاحات اداری یا پی آر آر شد و همچنین اولین وزارتخانه ای بود که شامل سیستم رتب و معاش شده و ساختارش را در همین مدت چند سال دوباره کاملاً بازنگری کرده است و تغییر ساختار داده تا خود را بر اساس استراتژی انکشاف ملی عیار سازد.

### **وزارت مالیه ابزارهای کنترلی زیادی را برای کنترل مصرف بودجه در دست دارد؛ با وصف تمامی این ابزارها چرا ما با عدم مصرف بودجه از سوی وزارتخانه ها رو برو هستیم؟ مخصوصاً در بودجه انکشافی**

شاید این تشویش وجود داشته باشد که اگر بودجه مصرف نشود این بودجه به تمویل کننده اش بر می گردد که این طور نیست. به هر مقدار بودجه که امسال مصرف شود مابقی بودجه به سال بعدی انتقال می یابد و برای پروژه های بعدی به مصرف می رسد. در قسمت مصرف بودجه انکشافی مشکلات بسیاری وجود دارد. این مشکلات مخصوص یک وزارت خانه یا یک پروژه هم نیست. یکی از این مشکلات در خود پروژه سازی است. در بسیاری حالات آمادگی برای ساخت پروژه ها وجود ندارد یا دیزاین پروژه ها مکمل نیست یا به شکلی که طرح کرده اند، امکان پذیر نیست. باید بگوئیم که بسیاری از پروژه های کلان را وزارتخانه های ما ظرفیت پروژه سازی، طرح و دیزاین آن را ندارند. موضوع دیگر سال مالی است در حالیکه سال مالی ما از اول حمل آغاز می شود، در بسیاری موارد به خاطر تأخیری که در منظوری بودجه می آید حتی در ماه ثور منظور می شود و بعد از آن وزارتخانه ها آمادگی پروسه های

تدارکات را می گیرند و بلاخره وقتی وزارت خانه آماده آغاز پروژه است که زمستان می رسد. خود این مشکل که تمام فصل کاری را ما از دست می دهیم یکی از مشکلات اساسی است؛ اگر سال مالی ما از جدی شروع می شد ۳ ماه اول سال را وزارتخانه ها در آمادگی سپری می کردند و از ماه حمل آغاز به کار می نمودند این مصرف بهتر می بود. ظرفیت ادارات در قسمت مدیریت قراردادها و در قسمت تطبیق قراردادها و مهمتر از آن مدیریت سیستم مالی پروژه ها با ضعف هایی همراه است. در پهلوی این موارد مشکلات اساسی در تطبیق کننده ها هم هست. در افغانستان سکتور خصوصی ما هنوز به ظرفیت نرسیده اند تا این پروژه ها را آنطور که پلان می کنند، اجرا نمایند. از طرفی چون شرکت هایی که پروژه های مذکور را تطبیق می کنند کم است ولی تعداد پروژه ها متعدد، یک شرکت چند پروژه را همزمان اجرا می کند که این امر می تواند به روند اجرای کار لطمه بزند و شرکت ها نتوانند از عهده کار برآیند.

مشکلات امنیتی مشکلات دیگری است که پروژه ها به درستی تطبیق نمی شوند. در حالیکه تمام مسایل برای اجرای پروژه مساعد است اما به دلیل نا امنی نمی توان کار را اجرایی کرد. در بعضی حالات تغییر در تعهد دهنندگان باعث عدم مصرف بودجه است. با وجود اینکه یک دولت تعهد می کند که بودجه ای را برای پروژه ای اختصاص می دهد، اما در جریان سال نظر خود را تغییر داده و پروژه دیگر را متعهد می شود این حالت سبب می شود که ما با تأخیر زیاد پول را دریافت منظوری بودجه را از پارلمان بگیریم تا بلاخره در جایی که تعهد شده به مصرف برسانیم. در مورد تعهد دهنندگان باید گفت حتی در مواردی با وجود اینکه تعهد می کنند، اما در همان سال پول را پرداخت نمی کنند برای مثال در سال جاری جاپانی ها وعده کردند که

لین دوم سرک کابل، چاریکار را برای ما می سازند، اما اکنون وعده خلافی کرده و می گویند امسال دولت جاپان پولی از این بابت پرداخت نمی کند و اولین پولی را که میتوانیم بپردازیم در سال ۲۰۱۲ است. بناء ۱۵ میلیونی را که بابت سرک کابل، چاریکار تعهد کرده اند در بودجه می آید. درحالیکه از سوی جاپان پولی پرداخت نشده است.

موضوعی دیگر موجودیت پول زیادی است که دونران در اختیار ما قرار داده اند. درحالیکه ما ظرفیت خرج آن را نداریم و از طرفی هم نمی توانیم به آنها بگوییم چون ما ظرفیت مصرف را نداریم شما کمک نکنید.

در پایان می توانیم دلایل متعددی را برای عدم مصرف بودجه ذکر کنیم که عبارتند از عدم ظرفیت در خود ادارات، کمبود ظرفیت در قراردادی ها، تغییرات در تعهد دونران، پروژه سازی ناقص، تأخیر در منظوری بودجه ومشکلات سال مالی با فصل کاری. با آن هم هر سال نسبت به سال قبل مصرف بودجه زیادت و بهتر می شود ولی چون بودجه بالا می رود فیصدی ما به آن اندازه بالا نمی رود.

**در سال مالی ۱۳۹۰ اقرار است تا بودجه اختصاصی به وزارتخانه بر اساس یک برنامه خاص باشد یا همان بودجه بر اساس برنامه، به نظر شما آیا در ادارات کشور این ظرفیت موجود است که بودجه را بر اساس یک برنامه تعقیب کنند مخصوصا در ولایات که ما مشکلات زیادی داریم؛ وزارت مالیه در این زمینه چه اقداماتی را ترتیب داده است؟**

بودجه سنتی ما مشکلات بسیار زیادی دارد. اکنون بسیاری از کشورها از بودجه سازی سنتی به بودجه سازی مدرن تغییر شیوه داده اند. در بودجه سازی سنتی تمام محاسبه به این است که یک وزارت چه مقدار بودجه دارد، یعنی

زیادتر روی مسایل آمد بحث می شود نه روی مسئله بازدهی؛ به طور مثال وقتی ما می گوییم وزارتخانه الف ۱۰ میلیارد بودجه داشته است. اما ما در سند بودجه نمی توانیم بگوییم همین وزارتخانه در برابر بودجه اختصاصی چه بازدهی داشته است. ما باید در بودجه اختصاص داده شده مقایسه داشته باشیم که آیا پول دریافتی با کارکرد ادارات هم خوانی دارد یا خیر، در این صورت شفافیت بیشتر می شود، خود وزارتخانه ها هم می توانند کنترل منابع خود را خوبتر انجام دهند. ما این پروژه را تقریبا ۵ سال پیش آغاز کردیم؛ بناء در ظرف این چند سال وزارتخانه ها به تدریج تجربه این را پیدا کرده اند که به چه شکلی پروژه بسازند و بودجه را ترتیب کنند و چطور آن را تطبیق کرده و گزارش دهند. بدون شک هر تغییری در سیستم مشکلات خود را دارد و با مقاومت هایی روبرو می شود. ولی در برابر نتایج خوبی که این برنامه می تواند داشته باشد به مراتب می آرزویم که با این سیستم پیش برویم. ما گامهای بزرگی را به تدریج اول در مرکز، و بعد در ولایات برداشته ایم.

**بودجه احتیاطی به نظر شما باعث عدم کارکرد صحیح در ادارات نیست؟**

این یک برداشت درست از بودجه احتیاطی نیست، بودجه احتیاطی صرف همان دو کد ۹۹ و ۹۱ است که کاملا به اختیار خود ریاست جمهوری است و یکی هم برای مسائل اضطرار است، سایر قسمت ها اصلا شامل کد های احتیاطی نیست. به طور مثال در قسمت پول متقاعدین، در سیستم بودجه یک اصطلاح است که گفته می شود بودجه های بالا از خط و پایین و از خط، بودجه بالا از خط واضح است که به کدام وزارت، پایین از خط هنوز وزارتش معلوم نیست. ما این را به خاطر این گنجانده ایم که بسیاری از وزارت ها از این پول به شکلی سوء استفاده می

**می توانیم دلایل متعددی را برای عدم مصرف بودجه در ادارات ذکر کنیم که عبارتند از عدم ظرفیت در خود ادارات، کمبود ظرفیت در قراردادی ها، تغییرات در تعهد دونران، پروژه سازی ناقص، تأخیر در منظوری بودجه ومشکلات سال مالی با فصل کاری. با آن هم هر سال نسبت به سال قبل مصرف بودجه زیادت و بهتر می شود ولی چون بودجه بالا می رود فیصدی ما به آن اندازه بالا نمی رود.**

کردند، مثلا پول متقاعدین قبلا در بودجه وزارت کار و امور اجتماعی بود. چون در این صورت این پول شامل بودجه وزارت بود از این پول هم استفاده می کرد و در ختم ما با متقاعدین مشکل پیدا می کردیم. همچنین مسئله رتب و معاشات هم به همین قسم است و یا اینکه بعضی از دونران پولی را تعهد می کنند ولی هنوز پول پرداختی قطعی نیست ما آن را بالای خط نمی گذاریم تا وقتی که پول قطعی شود در درون بودجه جایگزین می کنیم. و همچنین حق العضویتها و قرضه های افغانستان در مجامع جهانی نیز در همین بودجه احتیاطی است. به هر حال صرف دو کد احتیاط است که جمعا ۶/۱ میلیارد افغانی از بودجه رادر برمی گیرد.

مواجه گردید، تغییرات بیشتر قابل پیش بینی میباشند.

### فرایند ارایه و تصویب بودجه در کشور شما چگونه است؟

سال مالی در کشور ما از اول برج اپریل الی ۳۱ برج مارچ سال بعدی میباشد. نهاد های بودجوی بودجه سال آینده شانرا در خزان هر سال ترتیب مینمایند و انتظار می رود که این بودجه ها مطابق با پالیسی دولت (صورت بودجه قبلی) باشد. وزارت مالیه مسؤلیت دارد تا پیشنهاد نهاد های بودجوی را بطور دقیق مورد غور و بررسی قرار دهد. روند ترتیب بودجه افزایشی نبوده ( یعنی بطور فیصدی در هر سال افزایش نمی کند) و از نهاد بودجوی انتظار می رود تا برنامه های خویش را در هر سال بشکل موجه نشان دهند ( بودجه بندی براساس صفر).

بدین ترتیب، بعد از توافق کابینه (وزرای ارشد دولت)، بودجه دولت جهت منظوری و ملاحظه به پارلمان پیشکش میشود، این کار معمولاً در بهار هر سال واقع میشود. در پارلمان روی این موضوع بحث های زیاد صورت میگیرد و مشخصاً برای ارزیابی بودجه یک « کمیته » وجود دارد که در این کمیته بودجه تمام نهاد بودجوی توسط اعضای پارلمان که از تمام احزاب سیاسی میباشند مورد غور و ارزیابی قرار میگیرد. بعد از اینکه بودجه در پارلمان نهایی گردید جهت توشیح به علیاحضرت ملکه پیشکش میگردد.

هرگاه در فرایند منظوری بودجه تأخیر واقع شود، بعضی میکنیزم های وجود دارد که با استفاده از آن نهاد های بودجوی وجوه مورد نیاز خویش را الی منظوری بودجه جهت پیشبرد فعالیت های خویش از منابع دولتی برداشت مینمایند.

**آیا وزارت خانه ها بودجه ای که برای ایشان تخصیص داده شده است را به صلاحیت خود به مصرف میرسانند و یا جهت گرفتن تخصیص به وزارت مالیه مراجعه می کنند؟**



فل دنکمب؛ کارشناس اقتصاد و تیم لیدر پروژه P.K.F

سال قبل، قسمت اعظم صلاحیتهای مالی و عملیاتی در کشور ویلز و اسکاتلند به پارلمان ( جدید) تقویض گردید. بمنظور تقویض صلاحیتهای، بطور مثال در مناطق انگلیسی، فشار های دوام دار صورت گرفت ولی اکثراً این فشار موجب انتقال این خدمات به نمایندگی ها و سازمانهای سکتور خصوصی گردید.

همچنان با توجه با حساس بودن و آسیب پذیر بودن فعالیتهای بعضی نهاد ها که اگر به سکتور خصوصی انتقال داده شود شماری نهاد های مستقل نیز ایجاد گردید، که در این راستا از مرکز پژوهشی هسته ای میتوان نام برد. مدیریت این نماینده گی ها معمولاً بطور مستقیم به وزرا پاسخگو میباشند.

از لحاظ حسابدگی، سیستم های کنترولی مدیریت داخلی عامه بطور بسیار گسترده غیر متمرکز میباشند؛ حسابدگی مالی و کنترول بودجوی تا هنوز مربوطه دولت و وزارت مالیه میباشند. این کار از آنجاییکه وزارت مالیه بعضی اوقات منابع مالی کافی از طریق فرایند بودجه بدسترس وزرای که مسؤلیت اجرای پالیسی ها را بدوش دارند تهیه کرده نمی تواند اکثراً باعث کشیدگی در دولت میشود؛ با توجه به تغییرات اخیر در دولت و مشکلات اقتصادی که دولت با آن

### در بریتانیا اصلاحات در نظام مالی و اقتصادی چگونه انجام می پذیرد؟

در طی ۲۰ سال گذشته یک روند خصوصی سازی بسیار جامع و فراگیر در دولت بریتانیا صورت گرفته است که در نتیجه این کار مسؤلیت دولت مرکزی و محلی بطور چشم گیر کاهش یافته است. در این راستا از خدمات راه آهن، ترانسپورت عامه و آب و برق میتوان به عنوان نمونه یاد کرد که متعلق به سکتور خصوصی شده و توسط آن نهاد ها، نهاد های انتفاعی، تنظیم میشوند. این فعالیتها اخیراً پیشرفت بیشتری نموده و شامل سکتور تعلیم و تربیه و صحت نیز گردیده است، مکاتب و شفاخانه ها اکنون متعلق به سکتور خصوصی بوده و با توجه به چهارچوب و معیار های که توسط دولت مرکزی تعیین میشود فعالیت مینمایند و بمنظور تحقق اهداف تعیین شده از اجراءات ایشان همواره نظارت بعمل می آید.

### آیا این فعالیتها متمرکز است و یا غیر متمرکز وزارت مالیه در میان چه نقشی دارد؟

دولت بریتانیا که شامل انگلستان، ویلز، سکاتلند و ایرلند شمالی میباشند بطور سنتی دارای نظام دولتی متمرکز میباشند. ده

نهاد های بودجوی در مصرف بودجه خود کاملاً دست باز دارند؛ نظر به مقرر وزارت مالیه، هر اداره مکلف به استخدام یک « آمر محاسبه » میباشد که این آمر مسؤلیت دارد از مصرف وجوه های تخصیص داده شده مطابق به اهداف و مقاصد که توسط پارلمان تعیین شده است اطمینان حاصل کند. به همین ترتیب، مسؤلیت دارد تا از جمع آوری عواید مربوطه آن نهاد و محاسبه درست آن نیز اطمینان حاصل کند. در این راستا گزارشات نظارتی منظم برای وزرای مربوطه و وزارت مالیه تهیه و ارائه مینمایند. مسؤلیت کنترل درست از مصارف و عواید بدوش آمر محاسبه میباشد.

نهاد های بودجوی بنابر بعضی دلایل تاریخی اداره ملی تفتیش (رئیس عمومی، رئیس حسابداری) را از درخواست وجوه مستحضر مینمایند. اداره ملی تفتیش این درخواست ها را بصورت دقیق مورد غور و ارزیابی قرار میدهد و در صورتیکه درخواست های متذکره با احکام قانون بودجه نافذ در تضاد نباشد با ایشان صلاحیت داده میشود تا وجوه درخواست شده از بانک انگلستان ( بانک دولتی) برداشت نمایند. این کار، تاجیکه بنده معلومات دارم، از جمله عملکرد های عادی اداره ملی تفتیش نمی باشد.

وزارت مالیه از اجراءات نهاد های بودجوی در جریان سال مالی نظارت مینماید و در صورت ضرورت بعضی سوال ها را مطرح میکند. به همین ترتیب در صورت عدم موافقت، موضوع با وزیر مربوطه، اگر لازم گردد، و یا با کابینه در میان گذاشته میشود.

وزارت مالیه به غیر از بودجه خود در قبال مصارف و جمع آوری عواید نهاد های بودجوی مسؤلیت ندارد.

**چه ابزارهایی برای کنترل و نظارت بر حسن مصرف بودجه دولت وجود دارد؟ چه مراجعی نظارت بر مصرف بوده را به عهده دارند؟**

هر نهاد مسؤلیت کنترل بودجه را، به استثنای نظارت و ارزیابی توسط وزارت مالیه، خود بدوش دارد. اما در بعضی موارد خاص، توسط یک سازمان حقوقی دولتی (در بخش فعالیت تخصصی توسط سازمان هسته ای) کنترل میشود.

هر نهاد مسؤلیت دارد تا بعضی سیستم های کنترولی مالی و مدیریتی موثر را در چوکات اداره خود ایجاد نماید (آمرین محاسبه در رابطه با صورتهای مالی سالیانه یک گواهینامه تهیه میکنند). همچنان هر نهاد وظیفه دارد تا جهت حصول اطمینان از عملیه موثر سیستم های کنترولی مالی و مدیریتی یک واحد تفتیش داخلی مستقل از مدیریت در چوکات اداره خود ایجاد کند. این واحد ممکن به آمر محاسبه و یا به سکرتر دایمی گزارش دهد ( کارمندان عامه در برابر تمام فعالیت های مرجع مسؤلیت دارند. تفتیش داخلی ممکن بعضی عملکردهای آن نهاد را نیز مورد ارزیابی قرار دهد.

علاوه بر این، هر نهاد بودجوی مکلف است تا صورتهای مالی سالیانه خویش را که شامل صورت حساب مصارف و عواید ایشان میباشد ترتیب و جهت تفتیش و بررسی خارجی به رئیس عمومی تفتیش ( اداره ملی تفتیش) ارائه کند.

رئیس عمومی تفتیش مکلف است تا این صورتهای مالی را مورد تفتیش و بررسی قرار داده و آنرا همراه با اظهار نظر خویش، در صورت لازم به گزارش، به پارلمان ارائه کند. زمان اجرای این کار در قانون تصریح نشده است بلکه میان اداره ملی تفتیش و نهاد های تحت تفتیش توافق صورت گرفته است. در بخش تفتیش و ارائه گزارشات به پارلمان، یک مکلفیت قانونی وجود دارد که این حسابات در مدت ۱۰ ماه بعد از ختم سال مالی (یعنی ۳۱ جنوری سال آینده) تفتیش و گزارشات آن به پارلمان ارائه شود.

پارلمان، از طریق کمیته حسابات عامه، صورتهای مالی سالیانه را (همراه

با اظهار نظر رئیس عمومی و گزارشات) مورد غور و ارزیابی قرار میدهد و صلاحیت دارد تا بعضی شاهد ها را ( معمولاً آمر محاسبه و یا سکرتر دایمی رئیس عمومی و آمر محاسبه وزارت مالیه) جهت کسب معلومات مورد نیاز احضار نماید.

کمیته حسابات عامه در رابطه با سوالات خویش یک گزارش نشر میکند. همچنان در رابطه با یافته ها و سفارشات خویش هر سال یک گزارش به جلسه عمومی نیز ارائه میکند.

اداره ملی تفتیش فعالیت های قبلی خویش را بعنوان یک بخش تفتیش سالیانه پی گیری نموده و در صورت تشخیص کدام نقض و یا کاستی عمده کمیته حسابات عامه را در جریان میگذارد.

### **نظراتان در رابطه با سیستم اقتصادی افغانستان چیست؟**

افغانستان از یک بحران بسیار طولانی گذشته که این بحران موجب مشکلات زیاد در بخش سیستم های کنترولی، مالی و مدیریتی عامه در دولت گردیده است. در این راستا جامعه جهانی مشورت، تقویت و کمکهای مالی برای افغانستان تهیه میکند تا باشد که سیستم های کنترولی این کشور مطابق به معیارات حسابی بین المللی و عملکرد خوب بین المللی گردد.

به عقیده من، پیشرفت زیاد در این بخش تا اکنون صورت گرفته است اما برای اینکه یک سیستم کنترولی داخلی مالی و مدیریتی موثر وجود داشته باشد به پیشرفتهای دیگر هم ضرورت میباشد.

طوریکه بنده مشاهده کرده ام، سیستم غیر متمرکز که در کشور بریتانیا معمول است در وضعیت فعلی افغانستان بصورت مکمل قابل تطبیق نمی باشد، در این مورد کنترلهای زیادی وجود دارد که با فرهنگ و وضعیت افغانستان مناسب است.